



پنج نکته مهم درباره‌ی

خودارضایی

گردآوری و تحقیق:

ابوالقاسم علیان نژادی دامغانی

شناسنامه

فهرست مطالب

مقدمه..... ۵

فصل اوّل

۹..... حرمت استمناء
۱۰..... دلیل اوّل: اجماع فقهاء
۱۴..... دلیل دوّم: آیاتی از قرآن مجید
۱۶..... دلیل سوم: روایات معصومین:
۲۲..... دو روایت مخالف!
۲۴..... روش‌های جمع بین روایات مذکور
۲۶..... اعمال مرجّحات
۲۷..... دلیل چهارم: دلیل عقل

فصل دوّم

۳۱..... ضررها و مفسدات
۳۱..... خودارضایی

فصل سوّم

۳۵..... مصادیق استمناء

۳۸	دلیل‌های ما بر عمومیت
۳۹	ملاحظه‌ی با زوجه استثناست
۴۰	خودارضایی در زنان!

فصل چهارم

۴۳	مجازات
۴۳	خودارضایی
۴۷	ادله‌ی تعزیر استمناء کننده

فصل پنجم

۵۱	طریق پیشگیری
۵۱	و راه‌حل‌ها
۵۲	پیشگیری مقدّم بر درمان است
۵۳	راه‌حلّ اوّل: ازدواج
۵۴	معضلات ازدواج در عصر و زمان ما
۵۶	راه‌حلّ دوم: پرهیز از عوامل تحریک
۵۷	راه‌حلّ سوم: اجتناب از دوستان ناباب
۵۷	راه‌حلّ چهارم: اشتغال
۵۸	راه‌حلّ پنجم: مطالعه‌ی مداوم آثار سوء استمناء
۵۸	راه‌حلّ ششم: تقویت پایه‌های ایمان

مقدمه

یکی از خصوصیات و ویژگی‌های درس خارج فقه حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی مدظله، که آن را از دیگر دروس مشابه متمایز می‌کند، پرداختن به مسایل و معضلات و شبهات جامعه در ضمن مباحث علمی تخصصی است.

مثلاً هنگامی که در بحث ازدواج، به ازدواج مسلمانان با غیر مسلمانان، مخصوصاً پیروان زردشت، رسیدند با توجه به وجود زردشتیان در بعضی از مناطق کشور به شرح کافی پیرامون این آیین و نحوه‌ی ارتباط مسلمانان با آنها پرداختند. یا هنگامی که در مبحث دیات به دیه‌ی ولد الزنا رسیدند، در مورد همه‌ی مباحث مربوط به این موضوع از جمله برخی از محرومیت‌هایی که فرزند نامشروع دارد بحث کردند. و نمونه‌های دیگری که نیاز به ذکر همه آنها نیست.

در بحث حج نیز هنگامی که به بحث استمناء، که یکی از محرمات احرام است، رسیدند با توجه به

ابتلا‌ی برخی از جوانان به این کار بسیار زشت و گناه بزرگ، جلساتی چند را به بیان و تشریح ابعاد مختلف آن پرداختند. تا از این طریق هم خانواده‌ها را متوجه خطری که در کمین جوانانشان می‌باشد کرده باشند، و هم ابعاد مختلف این گناه بزرگ را برای جوانان تشریح نمایند، و هم ضررها و آثار شوم آن را به آنها گوشزد کنند، و هم راهکارها و طرق رهایی و خلاص شدن از آن را به مبتلایان آن تعلیم دهند.

با عنایت به این که این مباحث صرفاً یک بحث علمی نبود، بلکه جنبه‌ی کاربردی نیز داشت، بصورت مستقل در اختیار شما خوانندگان محترم قرار گرفت، تا اگر خدای ناکرده در اطرافیان شما فردی مبتلا به خودارضایی است، بتوانید با آگاهی بیشتر به کمکش شتافته و او را نجات دهید.

این کتاب در پنج فصل تقدیم شما خوانندگان محترم می‌شود:

- ۱ - اصل حرمت استمناء و خودارضایی با چهار دلیل محکم و غیرقابل انکار.
- ۲ - معنای استمناء و مصادیق آن.
- ۳ - ضررها و مفاسد متعدّد خودارضایی.
- ۴ - مجازات آن.
- ۵ - راهکارهای پیشگیری از خودارضایی.

از خداوند بزرگ عاجزانه می‌خواهیم که این خدمت
ناچیز را به لطف و کرمش قبول فرماید و ذخیره‌ی یوم
المعاد قرار دهد. که او یقبل الیسیر است و پاداش‌های
بزرگی می‌دهد.

ابوالقاسم علیان نژادی دامغانی

طلبه‌ی حوزه علمیه قم

۱۳۹۰/۸/۱ مصادف با ۲۵ ذی الحجّه ۱۴۳۲

روز دحو الارض

سفید

فصل اوّل:

حرمت استمناء

در عصر و زمان ما برخی از دانشمندان کم اطلاع و کسانی که فریفته‌ی فرهنگ فاسد غرب شده‌اند، به تبعیت از غربی‌ها، خودارضایی را یک امر طبیعی دانسته و آن را جایز شمرده‌اند!^(۱) در حالی که حرمت آن به ادله‌ی اربعه (قرآن، حدیث، عقل و اجماع) ثابت است. برای روشن شدن بطلان عقیده‌ی مذکور، ادله‌ی چهارگانه را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

دلیل اول: اجماع فقهاء

بسیاری از علمای شیعه نسبت به حرمت استمناء ادعای اجماع کرده‌اند، و هیچ مخالفی از فقه‌های شیعه در این مسأله وجود ندارد. هرچند برخی از علمای اهل سنت آن را حرام نمی‌دانند^(۲).

۱. شرح این مطلب را در کتاب فتنه‌ی نفس، ص ۵۸، و کتاب دنیای نوجوان، ص ۲۲۸ به بعد ملاحظه بفرمایید.
۲. الحاوی الکبیر، ج ۹، ص ۳۲۰.

به نمونه‌هایی از کلمات فقها توجه فرمایید:

۱ - علامه حلی^(۱)، آن فقیه بزرگ و کم‌نظیر،

می‌فرماید:

«یحرم الاستمناء بالید عند علمائنا و هو قول اکثر اهل العلم... و حکى ابن المنذر عن عمرو بن دينار انه رخص فيه و به قال احمد بن حنبل؛^(۲) خودارضایی به وسیله‌ی دست به نظر تمام علما و دانشمندان شیعه حرام است. و این نظریه‌ی اکثر علما و فقهای اهل سنت است... البتّه ابن منذر - از فقهای اهل سنت - از عمرو بن دینار (که یکی از فقهای گمنام اهل سنت است) نقل کرده که وی آن را جایز شمرده، و احمد بن حنبل نیز آن را پذیرفته است.»

۲ - نویسنده‌ی کتاب ریاض المسائل^(۳) می‌گوید: «و»

من استمنى ای استدعى اخراج المنى بیده او بشیء

۱. شیخ حسن بن یوسف بن مطهر الحلی، مشهور به علامه‌ی حلی، از فقهای نامدار شیعه در قرن هفتم محسوب می‌شود. وی در ماه مبارک رمضان سال ۶۴۸ هـ ق در شهر حله لبنان به دنیا آمد، و در سن هفتاد و هشت سالگی، یعنی در سال ۷۲۶ هـ ق به ملاقات پروردگارش شتافت. او خدمات شایانی به مکتب اهل البیت کرد؛ از جمله شاگردان فراوانی تربیت نمود، به گونه‌ای که ۵۰۰ نفر مجتهد در درس وی شرکت می‌کردند.

۲. تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۵۷۷.

۳. میر سید علی بن السید محمد بن ابی المعالی الصغیر بن ابی المعالی الکبیر الطباطبائی، کتاب «ریاض المسائل و حیاض الدلائل» را به رشته‌ی تحریر در آورد. این فقیه بزرگ در سال ۱۱۶۱ هـ ق در کاظمیه‌ی عراق به دنیا آمد، و در سال ۱۲۳۱ هـ ق در سن هفتاد سالگی در همان شهر ندای حق را لبتیک گفت.

من اعضائه او اعضاء غيره سوى الزوجة و الامة المحللة عزّ ربما يراه الامام و الحاكم لفعله المحرم اجماعاً^(۱)؛ و هر شخصی با دست یا دیگر اعضای بدنش یا اعضای بدن غیر از همسرش کاری کند که منتهی به خروج منی گردد حاکم شرع او را تعزیر می‌کند؛ زیرا به اجماع علماء و دانشمندان مرتکب کار حرامی شده است».

۳ - فقیه پر توان و برجسته، آقای نجفی^(۲)، نویسنده‌ی کتاب ارزشمند جواهر الکلام در یک جمله‌ی کوتاه می‌گوید:

«للتفاق ظاهراً على الحرمة الاستفادة مما عرفت و من قوله تعالى...^(۳)؛ زیرا ظاهراً فقها اجماع بر حرمت استمناء دارند و این حرمت از روایاتی که (در کلام صاحب جواهر) گذشت و برخی از آیات قرآن استفاده می‌شود».

۴ - سید ابو المکارم ابن زهرة^(۴) در کتاب غنیه

۱. ریاض المسایل، ج ۲، ص ۵۰۰.

۲. محمد بن حسن بن الشیخ عبد الرحیم بن آغا محمد الصغیر بن عبد الرحیم الشریف الکبیر، معروف به صاحب جواهر، از فقهای ژرف‌اندیش و نکته‌سنج و عمیق شیعه است، که یکی از مفضل‌ترین کتب فقهی استدلالی شیعه را به رشته‌ی تحریر درآورده است. ولادتش را آغاز قرن سیزدهم، و وفاتش را ماه شعبان سال ۱۲۶۶ هـ ق ذکر کرده‌اند.

۳. جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۶۴۸.

۴. حمزة بن علی بن زهرة الحسینی الاسحاقی الحلّی از فقهای قرن ششم، آثار متعددی از خود به جا گذاشته است. وی در سال ۵۱۱

النزوع می‌فرماید:

«ان التعزیر یجب بفعل القبیح و الاخلال بالواجب
الذی لم یرد الشارع بتوظیف حد علیه... و یعزر من
استمنی بیده... کل ذلك بدلیل اجماع الطائفة؛^(۱)
انجام هر کار زشت و ترک هر کار واجبی که مجازات
خاصی برای آن بیان نشده تعزیر دارد... و کسی که
مبتلی به استمناء با دست شده تعزیر می‌شود... همه‌ی
این‌ها به اجماع علمای شیعه ثابت شده است».

۵ - ماوردی^(۲) از فقهای اهل سنت می‌گوید:

«فاما الاستمناء بالید و هو استدعاء المنی بالید
فهو محظور، و قد حکى الشافعی عن بعض الفقهاء
اباحته... و هو خطأ^(۳)؛ و اما استمناء با دست که
عبارت است از طلب انزال منی با دست، حرام است.
ولی شافعی از برخی فقها نقل کرده که مباح است... اما
این نظریه صحیح نیست».

نتیجه این که خودارضایی به اتفاق تمام فقهای
شیعه و اکثریت علمای اهل سنت حرام است. البته اجماع

هق متولد شد، و در سال ۵۸۵ هق از دنیا رفت.

۱. الجوامع الفقهیه، ص ۵۶۲.

۲. ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب الماوردی البصری در سال
۳۶۴ هق به دنیا آمد و در سال ۴۵۰ هق از دنیا رفت. وی کتاب
مفصلی در فقه شافعی نوشته، که در حقیقت شرح کتاب مختصر
المزنی است. این کتاب به قلم یکی از شاگردان شافعی به نام
اسماعیل بن یحیی بن اسماعیل بن عمرو بن مسلم المزنی به
رشته‌ی تحریر درآمده است.

۳. الحاوی الکبیر، ج ۹، ص ۳۲۰.

با وجود مدارک دیگر، دلیل مستقلاً محسوب نمی‌شود، ولی سایر ادله، را که خواهد آمد، تأیید می‌کند.

دلیل دوم: آیاتی از قرآن مجید

قرآن در دو مورد به حرمت استمناء اشاره کرده است:

۱ - آیات پنجم تا هفتم سوره‌ی مؤمنون، که

خداوند متعال در آن آیات می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ هُمْ يُفْرَجِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ

أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ * فَمَنِ ابْتَغَىٰ

وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ؛ و آنها که دامان خود

را حفظ می‌کنند؛ جز در مورد همسران و کنیزانشان، که

در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند؛ و کسانی که

جز این را طلب کنند، تجاوزگرند».

۲ - آیات ۲۹ تا ۳۱ سوره‌ی معارج، که دقیقاً عین

آیات پنجم تا هفتم سوره‌ی مؤمنون است.

چگونگی استدلال: تعبیر به «حفظ فروج» که در

آیه‌ی اوّل آمده، عام است. یعنی هرگونه مناسبات و

روابط جنسی را شامل می‌شود و از آن نهی می‌کند،

مگر آنچه که استثناء شده، و آن مسایل جنسی مربوط

به دو همسر است. ضمناً موضوع آیه تنها آمیزش

جنسی نیست؛ بلکه هرگونه مسایل جنسی است، که

طبیعتاً شامل استمناء هم می‌شود و آن را تحریم می‌کند.

سؤال: آیه‌ی شریفه صراحت در حرمت ندارد؛ چون

کسانی که مناسبات جنسی غیر مجاز دارند را ملوم و مستحق سرزنش می‌داند و سرزنش به تنهایی دلالت بر حرمت ندارد.

جواب: این مطلب صحیح است، ولی ما حرمت را تنها از واژه‌ی مذکور استفاده نکرده‌ایم، بلکه جمله‌ی «أُولَئِكَ هُمُ الْغَادُونَ»، که مبتلایان به مسایل جنسی غیر مجاز را تجاوزکار و ظالم معرفی کرده، نیز شاهد خوبی بر حرمت است.

سؤال: اگر به اطلاق آیات مذکور استدلال شود لازمه‌اش این است که آمیزش باهمسر در حال حیض و نفاس هم جایز باشد. آیا چنین مطلبی را می‌پذیرید؟

جواب: منظور از استثناء مذکور استثناء فی الجملة است. اما موارد خاص، مانند آنچه که ذکر کردید، با دلیل خاص از عموم استثناء خارج می‌شود. نتیجه این که بدون شک آیات مذکور دلالت بر حرمت خودارضایی دارد و لذا بسیاری از علمای شیعه^(۱) و اهل سنت^(۲) برای تحریم استمناء به این آیات تمسک جسته‌اند.

۱. از جمله می‌توان به شهید ثانی در شرح لمعه، ج ۲، ص ۳۶۷، و مسالک الافهام، ج ۲، ص ۴۵۴، و صاحب جواهر در جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۶۴۸، و علامه‌ی حلی در تذکرة الفقهاء، ج ۲، ص ۵۷۷، و صاحب ریاض در ریاض المسائل، ج ۲، ص ۵۰۰، و مرحوم مغنیه در کتاب فقه الامام جعفر الصادق علیه السلام، ج ۶، ص ۲۹۶، اشاره کرد.

۲. از جمله می‌توان به محیی الدین بن شرف النووی در المجموع، ج ۲۱، ص ۳۱۸، و محمد بن حبیب الماوردی در الحاوی الکبیر، ج ۹، ص ۳۲۰، و نویسندگان الموسوعة الفقهیة الكويتیة، در جلد ۴ کتاب مذکور، ص ۹۸، اشاره کرد.

دلیل سوم: روایات معصومین علیهم‌السلام

روایات فراوانی خودارضایی را تحریم می‌کند، که عمدتاً در جلد ۱۴ وسایل الشیعه، ابواب النکاح المحرم و جلد ۱۸ همان کتاب، ابواب نکاح البهائم آمده است. ضمناً توجه داشته باشید که هر چند تعدادی از این احادیث از نظر سند مشکل دارد، اما اولاً: برخی از آنها سند معتبری دارد. و ثانیاً: مجموع آنها متضافر است. و ثالثاً: این روایات مورد قبول و عمل مشهور فقها قرار گرفته است. و لذا، ضعف سند روایات ضعیف‌السند جبران می‌شود. به این روایات توجه فرمایید:

۱. عمار بن موسی از امام صادق علیه‌السلام در مورد مردی که با حیوانی آمیزش کرده، یا مرتکب استمناء شده بود، چنین نقل کرده است:

«كُلُّ مَا أَنْزَلَ بِهِ الرَّجُلُ مَائَهُ مِنْ هَذَا وَ شِبْهِهِ فَهُوَ زِنَا^(۱)؛ هر کاری از این قبیل و مانند آن، که سبب شود انسان نطفه‌اش را خارج سازد، حکم زنا دارد و حرام است.»

۲. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام أَتَى بِرَجُلٍ عَبَثَ بِذَكَرِهِ فَضَرَبَ يَدَهُ حَتَّى أَحْمَرَتْ ثُمَّ زَوَّجَهُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ^(۲)؛

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ابواب النکاح المحرم، باب ۲۶، ح ۱ و باب ۲۸، ح ۲.

۲. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ابواب النکاح المحرم، باب ۲۸، ح ۳ و ج ۱۸، ابواب نکاح البهائم، باب ۳، ح ۱.

شخصی که خودارضایی کرده بود را خدمت امیرمؤمنان علی علیه السلام آوردند (تا مجازاتش کند). حضرت به قدری بر دستش زد که سرخ شد. سپس از بودجه‌ی بیت المال مقدمات ازدواجش را فراهم کرد».

۳. شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید:

«خَصَّضَهُ جَه حَكْمِي دَارِد؟ فَقَالَ: هِيَ مِنْ الْفَوَاحِش^(۱)؛ امام فرمود: خودارضایی جزء کارهای زشت محسوب می‌شود و حرام است».

«خَصَّضَهُ» از ماده‌ی «خَصَّ» به معنای هر گونه تحریکی است. ولی در خصوص استمناء، که نوعی تحریک جنسی به شمار می‌رود، نیز استعمال شده است. و منظور از آن در این روایت، استمناء و خودارضایی است. ضمناً «فاحشه» در لغت عرب صفت فعل، و در فارسی وصف فاعل قرار می‌گیرد.

۴. ابوبصیر می‌گوید:

«سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَ هُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ؛ النَّاتِفُ شَيْبَةً، وَ النَّاكِحُ نَفْسَهُ وَ الْمُنْكَوحُ فِي دُبُرِهِ^(۲)؛ شنیدم که امام صادق علیه السلام می‌فرمود: خداوند در روز قیامت با سه گروه سخن نمی‌گوید و به آنها نظر رحمت نمی‌کند و آنان را پاکیزه نمی‌سازد و عذاب

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ابواب النکاح المحرم، باب ۲۸، ح ۵.

۲. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ابواب النکاح المحرم، باب ۲۸، ح ۷.

دردناکی در انتظار آنهاست: اوّل) کسی که محاسن خود را بکند. دوم) شخصی که مبتلی به خودارضایی شود. سوم) کسی که تن به لواط دهد».

این روایت به روشنی دلالت بر حرمت استمناء دارد. ۵. امام باقر علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ عَلِيًّا عليه السلام أَمَرَ بِرَجُلٍ عَبَثًا بِذِكْرِهِ حَتَّى أَنْزَلَ فَضْرَبَ يَدَهُ حَتَّى أَحْمَرَتْ. قَالَ: وَلَا أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ: وَ زَوْجَهُ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ^(۱)؛ شخصی که استمناء کرده بود را خدمت حضرت علی علیه السلام آوردند (تا او را مجازات کند) حضرت به قدری روی دستش زد تا سرخ شد. سپس با بودجه‌ی بیت المال همسری برایش انتخاب کرد».

سؤال: آیا این روایت، تکرار حدیث دوم، که طلحة بن زید همین داستان را از امام صادق علیه السلام نقل کرد، محسوب نمی‌شود، و در واقع یک روایت نیست؟
جواب: در صورتی هر دو روایت، یک روایت شمرده می‌شود که هم مضمون آن دو و هم راوی دو حدیث و هم شخصی که از او روایت شده یکی باشد.

در دو حدیث فوق هر چند مضمون هر دو روایت متحد است؛ اما راوی روایت اوّل طلحة بن زید و راوی روایت دوّم زرارة و مروی عنه در حدیث اوّل امام

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۸، ابواب نکاح البهائم، باب ۳، ح ۲.

صادق علیه السلام و در حدیث دوم امام باقر علیه السلام است. بنابراین، یک حدیث محسوب نمی‌شود. علاوه بر این که الفاظ دو روایت هم مقداری با هم متفاوت است. ع احمد بن محمد بن عیسی در کتاب نوادرش از پدرش چنین نقل کرده است:

«سُئِلَ الصَّادِقُ علیه السلام عَنِ الْخُضْخُضَةِ، فَقَالَ: إِثْمٌ عَظِيمٌ قَدْ نَهَى اللَّهُ عَنْهُ فِي كِتَابِهِ وَ فَاعِلُهُ كَنَاحٌ نَفْسِهِ وَ لَوْ عَلِمْتَ بِمَا يَفْعَلُهُ مَا أَكَلْتَ مَعَهُ، فَقَالَ السَّائِلُ: فَبَيِّنْ لِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فِيهِ، فَقَالَ: قَوْلُ اللَّهِ: (فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ) وَ هُوَ مِمَّا وَرَاءَ ذَلِكَ^(۱)؛ از امام صادق علیه السلام در مورد استمناء سؤال شد. امام فرمود: گناه بزرگی است که خداوند متعال در قرآن مجید از آن نهی کرده است. و کسی که دست به این عمل زشت بزند مثل این است که با خودش آمیزش کرده است. و اگر می‌دانستی که چه کاری انجام می‌دهد با او هم غذا نمی‌شدی. سائل پرسید: کدام آیهی قرآن دلالت بر حرمت استمناء دارد؟ امام فرمود: آنجا که خداوند فرمود: «کسانی که جز این (استفاده‌های جنسی از همسرانشان) را طلب کنند، تجاوزگرند» و استمناء مصداق «ماوراء ذلک» در آیهی شریفه است.»

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۸، ابواب نکاح البهائم، باب ۳، ح ۴.

۷. اسحاق بن عمار می‌گوید از امام صادق علیه السلام

پرسیدم:

«الزُّنَا شَرٌّ أَوْ شُرْبُ الْخُمْرِ وَ كَيْفَ صَارَ فِي شُرْبِ الْخُمْرِ ثَمَانُونَ وَ فِي الزُّنَا مِائَةٌ؟ فَقَالَ: يَا إِسْحَاقُ! أَحَدٌ وَاحِدٌ وَلَكِنْ زَيْدَ هَذَا لِتَضْيِيعِهِ النَّطْفَةَ وَ لَوْضِعِهِ أَيَّهَا فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ الَّذِي أَمَرَهُ اللَّهُ بِهِ^(۱)؛ آیا زنا بدتر است یا شرب خمر؟ چرا حدّ زنا یکصد ضربه تازیانه، و حدّ شرب خمر هشتاد تازیانه است؟ امام فرمود: حد در هر دو یکی است و بیست تازیانه اضافه در زنا، بخاطر آن است که زناکار نطفه را تضييع کرده، و آن را در جایی که خداوند متعال سفارش نموده قرار نداده است».

چگونگی استدلال: اگر معیار بیست شلاق اضافه تضييع نطفه است، در استمناء هم این کار انجام می‌شود، پس حرام است. به تعبیر دیگر، هرچند در این حدیث سخنی از استمناء به میان نیامده، اما عموم علتی که در کلام امام آمده، شامل استمناء نیز می‌شود. ۹۸. حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام و اسحاق بن عمار به نقل از امام کاظم علیه السلام روایت زیرا را در مورد کسی که (نعوذ بالله) با حیوانی آمیزش کرده بود نقل کرده‌اند:

«اگر آن حیوان برای آمیزش‌کننده باشد باید ذبح گشته، و پس از ذبح لاشه‌ی آن سوزانده شده و از

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ابواب النکاح المحرم، باب ۲۸، ح ۴.

گوشت آن استفاده نگردد. و بیست و پنج ضربه‌ی شلاق، $\frac{1}{3}$ حدّ زنا، بر واطی جاری شود. و اگر حیوان متعلّق به دیگری است، قیمت آن از واطی گرفته و به صاحب حیوان پرداخته می‌شود، سپس حیوان ذبح گشته و لاشه‌اش سوزانده شده، و بیست و پنج ضربه تازیانه بر واطی جاری می‌شود. راوی می‌گوید: از امام پرسیدم: حیوان چه گناهی کرده که ذبح می‌شود و لاشه‌اش را می‌سوزانند؟ فرمود: «لَا ذَنْبَ لَهَا وَلَكِنْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَعَلَ هَذَا وَ أَمَرَ بِهِ لِكَيْلَا يَجْتَرِيَ النَّاسُ بِأَلْبِهَائِمِ وَ يَنْقَطِعَ النَّسْلُ»^(۱)؛ حیوان گناهی ندارد، ولی پیامبر گرامی اسلام ﷺ این حکم را صادر نمود تا مردم جرئت این کار را نسبت به حیوانات نداشته باشند و نسل آنها قطع نشود».

در این دو روایت نیز هر چند تصریح به حرمت استمناء نشده، ولی چون علّت حرمت، انقطاع نسل که همان توضیح نطفه است بیان شده، شامل استمناء هم می‌گردد. بنابراین، روایت فوق هم دلالت بر حرمت استمناء دارد.

۱۰. علی بن ریان نامه‌ای به امام هادی علیه السلام نوشت و

پرسید:

«رَجُلٌ يَكُونُ مَعَ الْمَرْأَةِ لَا يُبَاشِرُهَا إِلَّا مِنْ وَرَائِ ثِيَابِهَا وَ ثِيَابَهُ فَيَتَحَرَّكُ حَتَّى يُزَلَّ، مَا أَلْدَى عَلَيْهِ وَ

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۸، ابواب نکاح البهائم، باب ۱، ح ۱.

هَلْ يَبْلُغُ بِهِ حَدُّ الْخُضْصَةِ؟ فَوَقَّعَ ﷺ فِي الْكِتَابِ: ذَلِكَ بِالْعُ امْرَأَةً^(۱)؛ مردی از روی لباس با زنی که او هم لباس بر تن داشت ملاعبه کرد و بر اثر این کار تحریک شد و انزال صورت گرفت. چه حکمی دارد؟ آیا حکم استمناء در اینجا جاری می‌شود؟ امام در پاسخ علی بن ریان نوشت: آری، حکم استمناء دارد».

جمع‌بندی: همانطور که گفته شد هرچند برخی از روایات دهگانه از نظر سند ضعیف است؛ ولی با توجه به این که برخی دیگر از نظر سند معتبر است، به علاوه روایات در حدّ تضافر است، و علاوه بر همه‌ی اینها، فقها مطابق آن عمل کرده‌اند، ضعیف بودن آن چند روایت مشکلی ایجاد نمی‌کند. و در هر حال، این روایات حرمت استمناء را ثابت می‌کند.

دو روایت مخالف!

برخلاف ده روایت گذشته، دو روایت وجود دارد که ظاهراً استمناء را جایز شمرده است. به این دو روایت توجه فرمایید:

۱. حسین بن زرارة از امام باقر علیه السلام پرسید:

«اگر مردی با آلت خود بازی کند تا چیزی از او خارج

شود و انزال گردد، چه حکمی دارد؟

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ابواب نکاح المحرم، باب ۳۰، ح ۱.

امام فرمود: «لَا بَأْسَ بِهِ وَ لَمْ يَبْلُغْ بِهِ ذَاكَ شَيْئاً»^(۱)؛ اشکالی ندارد، و مجازاتی برای آن نیست».

سند روایت: حسین بن زرارة هرچند فرزند زراره‌ی معروف است، ولی در مورد خودش توثیقی دیده نمی‌شود. تنهایی چیزی که درباره‌ی ایشان نقل شده دعای امام در حق اوست.^(۲) ولی روشن است که دعا به تنها دلیل بر وثاقت نیست؛ چون ائمه علیهم‌السلام برای انسان‌های ناصالح هم دعا می‌کردند تا هدایت شوند. بنابراین، وثاقت حسین بن زرارة ثابت نیست. ولی با توجه به این که ثعلبة بن میمون در عرض اوست و وی انسان موثق و معتبری است^(۳)، عدم وثاقت حسین بن زرارة ضرری به سند حدیث نمی‌زند.

۲. زرارة بن اعین می‌گوید:

«سَأَلْتُهُ عَنِ الدَّلْكِ؟ فَقَالَ: نَاكِحُ نَفْسِهِ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ»^(۴)؛ از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: استمناء چه حکمی دارد؟ فرمود: چیزی بر چنین کسی نیست»

سند حدیث: یکی از راویان حدیث اسماعیل بصری است، که شخص مجهول الحالی است.

در بعضی از کتاب‌های علم رجال، نظیر جامع

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ابواب نکاح البهايم، باب ۳، ح ۳.

۲. مستدرکات علم الرجال، ج ۲، ص ۳۸۸ و ج ۳، ص ۱۲۹.

۳. مستدرکات علم الرجال، ج ۲، ص ۸۹، شماره‌ی ۲۳۶۲.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ابواب النکاح المحرم، باب ۲۸، ح ۶.

الرواة^(۱)، نامی از او برده نشده است. ولی آیت الله خوئی^(۲) در معجم رجال الحدیث نامش را ذکر کرده و معتقد است که او همان اسماعیل بن الفضل است که ثقة می‌باشد^(۳). اما این مطلب دلیل معتبری ندارد و لذا خود آقای خوئی نیز او را توثیق نمی‌کند. بنابراین، روایت مذکور از نظر سند ضعیف است و اعتباری ندارد. علاوه بر این که دلالتش هم اشکال دارد، زیرا روایت تصریح به صورت انزال ندارد، در حالی که بحث در جایی است که استمناء منتهی به خروج منی شود. خلاصه این که دو روایت مذکور، که ظاهراً دلالت بر عدم حرمت استمناء دارد، با روایات دهگانه‌ای که با صراحت استمناء را حرام می‌داند در تعارض است.

روش‌های جمع بین روایات مذکور

در تعارض روایات ابتدا باید به سراغ جمع دلالتی برویم، و علما در اینجا پنج راه جمع ذکر کرده‌اند:

۱. روایات گروه دوم، که استمناء را تجویز می‌کند، حمل بر تقیّه می‌شود^(۳). توضیح این که: تقیّه بر دو

۱. «جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد» از کتاب‌های خوئی است که توسط علامه محمد بن علی الاردبیلی الغروی الحائری به رشته تحریر درآمده و مورد توجه فقهاست.

۲. معجم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۹۵، شماره‌ی ۱۲۶۵.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۷۵، ذیل حدیث ۳ و ج ۱۴، ص ۲۶۸، ذیل حدیث ۶

قسم است. نخست تقیّه‌ای که در بحث مرجّحات مطرح است. و دوم تقیّه‌ای که در جمع دلّالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین، استمناء حرام است و روایات گروه دوم از روی تقیّه در برابر مخالفین صادر شده و حکم واقعی شرعی نیست.

و لکن این جمع اشکال دارد؛ زیرا حمل بر تقیّه در صورتی صحیح است که اکثریت فقهای اهل سنت مطابق آن فتوی داده باشند، در حالی که چنین نیست. بلکه، همانگونه که گذشت، اکثریت آنان حکم به تحریم استمناء کرده‌اند.

۲. راه جمع دوّم این است که دو روایت اخیر را حمل بر انکار کنیم^(۱). یعنی پاسخ امام به راوی به صورت استفهام انکاری است. به عبارت دیگر، در حقیقت امام علیه السلام در پاسخ راوی فرموده است: «ألیس به بأس؟» آیا این کار اشکالی ندارد؟» یعنی روشن است که این کار اشکال دارد و اساساً جای طرح این سؤال نیست. این راه جمع هم اشکال دارد؛ چون برخلاف ظاهر روایت است و تفسیر روایت برخلاف ظاهر آن، نیاز به دلیل و قرینه دارد، که در اینجا وجود ندارد.

۳. جمله‌ی «لا شیء علیه» یا «لا بأس به» در مقام نفی حدّ است نه افکار حرمت^(۲). یعنی این گناه حدّ

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۶۸، ذیل حدیث ۶

۲. جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۶۴۸ و وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۷۵

مخصوص و معین همچون گناه زنا و شرب خمر ندارد، بلکه مجازات آن تعزیر است که مقدار آن توسط حاکم شرع تعیین می‌شود.

همان اشکالی که به راه جمع دوم وارد شد، عیناً در این جا هم صدق می‌کند.

۴. روایات گروه دوم را حمل کنیم بر کسی که جاهل به حرمت است^(۱). یعنی این دو روایت می‌گوید: «اگر کسی حکم شرعی استمناء را نداند و مرتکب آن شود، کار حرامی نکرده است». این راه جمع، بهتر از بقیه است؛ ولی همان مشکل جمع دوم و سوم را دارد، یعنی قرینه‌ای بر آن نیست.

۵. دو روایت اخیر را حمل کنیم بر جایی که به قصد خروج منی این کار را نکرده، بلکه به قصد استبراء بوده، یا مطمئن بوده منی خارج نمی‌شود، ولی ناگهان و بی اختیار خارج شده است^(۲). این توجیه بعید به نظر نمی‌رسد.

اعمال مرجّحات

اگر یک یا چند راه جمع، که گفته شد، را پذیرفتیم تعارض بین روایات حل می‌شود و روایات گروه اول بدون معارض دلالت بر حرمت استمناء می‌کند و گرنه باید به سراغ اعمال مرجّحات برویم و ببینیم

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۶۸، ذیل حدیث ۶

۲. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۶۸، ذیل حدیث ۶

حق با کدام گروه از روایات است.

اوّلین مرجّح، شهرت است. هم شهرت فتوایی و هم شهرت روایی با گروه اوّل است. بلکه بالاتر از شهرت، اجماع فقهای شیعه نیز بر حرمت استمناء است. علاوه بر این که گروه اوّل، که خودارضایی را تحریم کرده، هماهنگ با آیات قرآن است و گروه دیگر، مخالف آیات سوره‌ی مؤمنون و معارج است. البتّه همه‌ی این بحث‌ها در صورتی است که دو روایت مخالف سند معتبری داشته باشد. در حالی که با اعراض مشهور، از حجّیت می‌افتد و نوبت به تعارض نمی‌رسد. نتیجه این که دو روایت معارض حجّیت ندارد و روایات دهگانه‌ی گروه اوّل به روشنی دلالت بر حرمت استمناء می‌کند.

دلیل چهارم: دلیل عقل

چهارمین دلیل ما بر حرمت خودارضایی، دلیل عقل است. هر عقل سالمی ضرر رساندن به خویشتن را قبیح و زشت می‌داند؛ بلکه بعضی دفع ضرر محتمل را هم لازم می‌دانند. و با توجّه به ضررهای متعدّد استمناء، عقل حکم به قبیح و زشتی و حرمت آن می‌کند. ضررهایی که گاه تا سر حدّ هلاکت و مرگ پیش می‌رود. بنابراین، استمناء به حکم عقل نیز حرام است.

سؤال: چرا در استمناء ضررها و مفاسد به سرعت دامنگیر مبتلایان به آن می‌شود؟

جواب: از آنجا که اسباب این عمل زشت همواره در اختیار انسان است و براحتی می‌تواند مقدمات آن را مهیّا کرده و دست به این کار بزند، بزودی تبدیل به عادت می‌شود. و لذا عرب‌ها به آن «العادة السریه» گفته‌اند. البته همیشه هم سزّی و مخفی نیست. چون ممکن است با نگاه کردن به یک فیلم نامناسب، یا زن بد حجاب و بدپوشش، یا شنیدن موسیقی حرام یا الفاظ زشت و خاص و مانند آن حاصل شود. به هر حال با توجّه به این که اسباب و مقدمات آن در همه جا و به راحتی در اختیار است، تبدیل به عادت می‌شود. و هنگامی که عادت شد، ضررها و خطرات فراوانی به وجود می‌آورد که شرح آن خواهد آمد.

سؤال: برخی از پزشکان^(۱) معتقدند اگر این کار با فواصل زمانی زیاد صورت بگیرد ضرری ندارد. چرا نظریه‌ی این پزشکان را مورد توجّه قرار نمی‌دهید؟

جواب: احکام شرع، حتّی قوانین عرفی، تابع مصادیق خاص نیست؛ بلکه ناظر بر مجموع مکلفین من حیث المجموع است. مثلاً شراب به خاطر آثار سوئی که دارد و باعث زوال عقل می‌گردد و در تمام

بدن، از سر تا به پا، اثر منفی می‌گذارد و حتی در نسل آینده مصرف‌کننده‌ی آن نیز بی‌اثر نیست^(۱)، برای همه تحریم شده است، حتی اگر در موردی هیچ یک از این آثار نباشد؛ مثل این که شخصی تنها یکی دو قطره از آن بنوشد. زیرا اگر راه برای این استثناءها باز شود، سوء استفاده‌های زیادی صورت خواهد گرفت. لذا، قانون‌گذار برای جلوگیری از سوء استفاده‌ها به صورت عام حکم می‌کند.

در مثال دیگر، رباخواری مفسد فراوانی دارد، از جمله این که مردم را از تلاش‌های اقتصادی سازنده باز می‌دارد، و نوعی ظلم محسوب می‌شود، و عواطف انسانی را تضعیف می‌کند.^(۲)

اما اگر شخصی هزار تومان بدهد و پس از یک هفته هزار و صد تومان بگیرد ممکن است آن مفسد را نداشته باشد، ولی خداوند در اینجا هم رباخواری را تحریم کرده، تا قانون سست نشود و سوء استفاده‌گران، سوء استفاده نکنند.

در بحث خودارضایی هم هر چند ممکن است این کار با فواصل زمانی زیاد ضررهای مهم استمناء را

۱. زبان‌های نوشابه‌های الکلی اعم از زبان‌های اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی آن را در تفسیر نمونه، جلد دوم، ص ۷۴ به بعد، ذیل آیه‌ی شریفه‌ی ۲۱۹ سوره‌ی بقره مطالعه فرمایید.

۲. شرح بیشتر در مورد مفسد ربا را در کتاب «ربا و بانکداری اسلامی» ص ۳۲ به بعد نوشته‌ایم.

نداشته باشد، ولی خداوند همچون سایر احکام و قوانین، حکم به تحریم آن به طور مطلق و عام کرده، تا راه سوء استفاده‌ها را ببندد و از سست شدن این قانون الهی جلوگیری به عمل آورد.

خلاصه این که طبق آنچه که از قرآن و روایات و دلیل عقل و اجماع استفاده شد، استمناء و خودارضایی حرام است و ضررها و مفاسد فراوانی دارد که در فصل بعد به آن خواهیم پرداخت.

فصل دوّم:

ضررها و مفسد

خودارضایی

استمناء ضررها و مفسد فراوانی دارد، که شرح آن را در کتاب مشکلات جنسی جوانان نوشته‌ایم و خلاصه‌ی آن را در اینجا می‌آوریم:

۱ - این کار زشت و ناپسند منشأ انواع بیماری‌ها می‌شود. ضعیف شدن حافظه، سوء هاضمه، تنگی نفس، بداخلاق، عصبانیت، مالیخولیا، کم خونی، ضایع شدن قدرت‌های جسمی و روحی از جمله بیماری‌هایی است که دامنگیر چنین انسانی می‌شود. علاوه بر این‌ها، سرگیجه، لاغری، سستی قوای مختلف بدن، کمر درد، ایجاد صدای وزوز در گوش، و تأثیر منفی در قوای بینایی و شنوایی و چشایی و بویایی و لامسه و کم شدن مقاومت بدن در برابر بیماری‌ها و فلج شدن، از دیگر عوارضی است که به شهادت جمعی از پزشکان در انتظار مبتلایان به خودارضایی است.

۲ - دومین ضرر و مفسده‌ی استمناء، میل به عزلت و گوشه‌گیری است. از آنجا که غالباً این عمل زشت در

خفا و پنهانی انجام می‌شود، مبتلایان به آن دوست دارند تنها باشند و این کار به تدریج باعث انزوای آنها از جامعه می‌گردد. و این حالت، یکی از عوامل مهم افسردگی است.

۳ - یکی دیگر از ضررهای این کار، ایجاد مشکلات متعدد برای ازدواج آینده مبتلایان به آن است. این افراد اگر این کار زشت و گناه بزرگ را ترک نکنند ازدواج موققی نخواهند داشت. چون مبتلی به سرد مزاجی یا سرعت انزال و امثال آن شده، و گاه علاقه به جنس مخالف را از دست می‌دهند.

۴ - مشکل چهارم خودارضایی، که زائیده‌ی همان مشکلات سه‌گانه‌ی سابق است، عقب افتادگی در درس و فعالیت‌های علمی است. افراد زیادی بودند که قبل از ابتدای به استمناء، شاگرد اول کلاس خویش محسوب می‌شدند، ولی بعد از آلوده شدن به آن نه تنها شاگرد اولی را از دست داده، که با تجدید قبول شده‌اند! و گاه حتی میل به درس خواندن را از دست داده، و به دنبال آن یأس و ناامیدی به سراغ آنها آمده و حتی رفوزه شده‌اند!^(۱)

بنابراین، خودارضایی ضررها و مفسد فراوانی

۱. شرح بیشتر ضررهای خودارضایی را در کتاب مشکلات جنسی جوانان و کتاب فتنه‌ی نفس، و کتاب دنیای نوجوان، صفحه‌ی ۱۷۸ به بعد و کتاب خانواده و مسائل جنسی کودکان، صفحه‌ی ۱۳۷ به بعد مطالعه فرمایید.

دارد. و لذا، عقل حکم به قبح و زشتی آن می‌کند و هرآنچه عقل آن را زشت و ناپسند بداند، شرع آن را تحریم می‌کند.

ذکر این نکته نیز لازم است که آنچه در مورد مفسد و ضررهای خودارضایی گفته شد جنبه‌ی حکمت دارد، نه علت. بنابراین استمناء مطلقاً حرام است؛ حتی اگر در جایی - بر فرض - که این ضررها وجود نداشته باشد.

سؤال: با توجه به ضررها و مفسد فراوان استمناء، اگر مبتلایان به آن پس از اطلاع از این ضررها و خطرات، توبه کرده و آن را ترک نمایند، آیا آثار آن برطرف می‌شود؟

جواب: بله، تدریجاً برطرف می‌شود. همانگونه که در سایر اعتیادها، نظیر اعتیاد به مواد مخدر، در صورتی که با عزم راسخ و تصمیم جدی آن را ترک نمایند، آثار و پیامدهای منفی آن به تدریج برطرف می‌گردد؛ مخصوصاً در سن جوانی زودتر و سریع‌تر مرتفع می‌شود. بنابراین، مبتلایان به خودارضایی هرچه زودتر از خواب غفلت بیدار شوند و بر خداوند توکل کنند و دست از این کار زشت بکشند و مطمئن باشند که آثار شوم آن تدریجاً از بین می‌رود.

فصل سوّم:

مصادیق استمناء

سؤال: آیا استمناء اختصاص به جایی دارد که آن کار با دست صورت گیرد، یا هر کاری که منتهی به خروج منی شود استمناءست، هر چند بدون دخالت دست باشد؟

جواب: ممکن است تصوّر شود دست خصوصیت دارد، چون در برخی از روایت عنوان «ید» و «دلک» آمده بود. ولی از مجموع روایات استفاده می‌شود که دست خصوصیتی ندارد. بنابراین، تمام مصادیق هفتگانه‌ای که ذیلاً می‌آید استمناء محسوب می‌شود و حرام است:

۱. هر کاری که توسط قوه‌ی لامسه صورت پذیرد، چه با دست باشد، یا به شکل مالش صورت پذیرد، یا به صورت تفخیز انجام گیرد و منتهی به انزال شود، استمناء محسوب می‌شود.

۲. هر کاری که توسط حس بینایی صورت گیرد و منتهی به خروج منی شود، استمناء به شمار می‌رود. مثل این که به تصاویر یا فیلم‌های مستهجن یا زنان

- بدحجاب و بی حجاب نگاه کند و انزال صورت پذیرد.
۳. آنچه که از راه تکلم و سخن گفتن رخ می‌دهد. مثلاً اگر با جنس مخالف صحبت کند، یا صحنه‌های تحریک‌کننده‌ی یک فیلم یا داستان جنسی را بیان نماید، یا جک‌های جنسی بگوید و این کار باعث خروج منی شود، مرتکب خودارضایی شده است.
۴. آنچه که از طریق حسّ شنوایی صورت می‌پذیرد. بنابراین، اگر به قصد انزال آنقدر موسیقی حرام بشنود یا پای سخن جنس مخالف بنشیند تا آن حالت دست دهد، دست به خودارضایی زده است.
۵. از طریق بوییدن بعضی از عطرها و گله‌ها، مثل بوی گل سنجد در بهار، نیز ممکن است انزال صورت گیرد. بنابراین، اگر شخصی به قصد انزال چنین عطرها و گله‌هایی را ببوید و آن حالت صورت پذیرد مرتکب کار حرامی شده است.
۶. گاه ممکن است تنها از طریق تفکّر و اندیشیدن به مسایل تحریک‌کننده، مانند نمونه‌هایی که در پنج بند بالا گفته شد، و بدون کمک گرفتن از حسّ‌های پنج‌گانه انزال صورت گیرد. این کار هم خودارضایی محسوب می‌شود و حرام است.
۷. ترکیبی از مصادیق شش‌گانه‌ی بالا، مثل این که در سفر است با همسرش تلفنی حرف می‌زند و همزمان یکی از کارهای شش‌گانه بالا را نیز انجام

می‌دهد و این دو باهم موجب انزال می‌گردد. این هم استمناء محسوب شده و حرام است.

نتیجه این که استمناء اختصاص به دست و قوه‌ی لامسه ندارد، بلکه دارای مصادیق هفت‌گانه‌ی فوق است، و آثار زیانبار همه‌ی اینها یکسان می‌باشد.

دلیل‌های ما بر عمومیت

سه دلیل بر عمومیت می‌توان اقامه کرد:

اول - روایت عمّار بن موسی که از امام صادق علیه السلام در مورد مردی پرسیده بود که مرتکب عمل زشت آمیزش با حیوان یا استمناء شده بود، و امام فرمودند:

كُلُّ مَا أَنْزَلَ بِهِ الرَّجُلُ مَاءَهُ مِنْ هَذَا وَ شِبْهِهِ فَهُوَ زِنًا^(۱)؛ هر چیزی، اعم از آنچه ذکر کردید یا مشابه آن، که باعث انزال شود در حکم زنا و حرام است.

طبق این روایت، دست خصوصیتی ندارد؛ بلکه هر چیزی که سبب انزال شود استمناء و حرام است.

دوم - الغاء خصوصیت عرفیه؛ یعنی روایات دهگانه‌ی مربوط به حرمت استمناء را به دست هر عرفی بدهیم می‌گوید: «هدف اخراج منی به هر شکلی است و دست در این مسأله خصوصیت ندارد». و اگر در بعضی از روایات خصوص دست ذکر شده، شاید به

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ابواب النکاح المحرم، باب ۲۶، ح ۱.

خاطر آن است که این نوع استمناء رواج بیشتری نسبت به سایر اقسام آن دارد، وگرنه خودارضایی منحصر در آن نیست.

سوم - روایاتی که دلالت بر حرمت تضييع نطفه و انقطاع نسل داشت، مانند روایت اسحاق بن عمار^(۱) و حدیث حسین بن خالد^(۲)، نیز دلالت بر عمومیت دارد. چون معیار را تضييع نطفه می‌داند؛ چه با دست باشد، یا چیز دیگر.

نتیجه این که استمناء اختصاص به دست ندارد؛ بلکه هر کار و حتی فکری که باعث خروج منی شود خودارضایی محسوب شده و حرام است.

ملاعبه‌ی با زوجه استثناست

هر چند ادله‌ی سه‌گانه‌ی فوق عام است و هر کاری که باعث انزال گردد را شامل می‌شود، اما ملاعبه‌ی با زوجه استثناست. یعنی اگر زوج با زوجه (یا بالعکس) کاری کند که منتهی به انزال گردد حرام نیست و دلیل آن روایات متعددی است که در مورد ملاعبه‌ی با زوجه در وسایل الشیعه، ج ۱۴، ابواب مقدمات النکاح، باب ۵۷ وارد شده، و هیچ کدام مقید به عدم انزال نگشته است. اگر ملاعبه منتهی به انزال با زوجه حرام بود باید در این

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ابواب النکاح المحرم، باب ۲۸، ح ۴.

۲. وسایل الشیعه، ج ۱۸، ابواب نکاح البهائم، باب ۱، ح ۱.

روایات بیان می‌شد. بنابراین، اگر انزال در اثر ملاحظه با
زوجه صورت پذیرد، استثناست و حرام نمی‌باشد.

خودارضایی در زنان!

برخی معتقدند استمناء اختصاص به مردان دارد و
در زنان ممکن نیست. ولی این عقیده اشتباه است و
خودارضایی همانگونه که در مورد مردان ممکن است
در مورد زنان هم تصور می‌شود، همانطور که خودشان
اعتراف دارند.

سرچشمه این بحث، بحث احتلام زنان است، که آیا
زنان همچون مردان محتلم می‌شوند و باید غسل
جنابت کنند، یا احتلام اختصاص به مردان دارد؟
استاد ما مرحوم آیت الله حکیم در مستمسک العروة
الوثقی^(۱) در این مورد به طور فشرده بحث کرده و
معتقد است که زن هم به اجماع فقهای شیعه محتلم
می‌شود و در صورت احتلام باید غسل جنابت کند.
بلکه همه‌ی فقهای اسلام اعم از شیعه و اهل سنت
این مطلب را پذیرفته و روایات متواتری نیز وجود دارد.
بنابراین، شکی در احتلام زنان و امکان استمناء در
مورد آنها نیست.

البته انزال آنان با مردان متفاوت است. آن رطوبت

۱. مستمسک العروة الوثقی، ج ۳، ص ۹ و ۳۳.

در مردان جهندگی دارد، ولی در زنان چنین نیست؛ بلکه اگر کاری کنند یا فکری نمایند که به اوج لذّت جنسی برسند و همزمان با آن، رطوبتی از آنها خارج شود مرتکب خودارضایی شده‌اند. و این حالت غالباً همراه با فتور جسمانی و سستی بدن در آنهاست. نتیجه این که خودارضایی در مورد زنان هم تصوّر می‌شود.

سفید

فصل چهارم:

مجازات
خودارضایی

استمناء همچون زنا و لواط حدّ شرعی ندارد؛ اما تعزیر دارد و ظاهراً مسئله‌ی تعزیر در خودارضایی مورد قبول فقهاست. هر چند ادّعی اجماعی در این زمینه، جز از ابن زهره، نیافتیم، اما فقیهانی که مجازات آن را تعزیر دانسته‌اند فراوانند. به چند نمونه‌ی آن توجه فرمایید:

۱. مرحوم علامه می‌فرماید:

«من استمنی بیده حتی انزل عزر بما یراه الحاکم و روی ان علیا ضرب یده حتی احمر فزوجه من بیت المال و لیس ذلک لازماً بل هو خاص بتلک القضیة لمصلحة^(۱)؛ کسی که با دست خود استمناء کند تا آنجا که منتهی به انزال شود حاکم شرع او را تعزیر می‌کند. و روایت شده که حضرت علی علیه السلام بر دست چنین کسی به مقداری تازیانه زد که سرخ شد، سپس از بیت المال

۱. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۲۶.

همسری برایش فراهم کرد. البته این کار واجب نیست، بلکه به خاطر مصلحتی اختصاص به همان مورد داشته است».

سؤال: آیا کلام اخیر علامه، که تزویج از بیت المال واجب نیست، مطلب صحیحی است؟

جواب: به نظر قاصرما این سخن صحیح نیست؛ چون آنچه امام علیه السلام انجام داد به عنوان نهی از منکر و جلوگیری از تکرار آن گناه زشت بود و نهی از منکر اختصاص به مورد خاصی ندارد؛ بلکه در تمام موارد مشابه باید انجام گیرد.

۲. صاحب جواهر الکلام می‌گوید:

«من استمنى بیده او بغيرها من اعضائه عزر لانه فعل محرماً کبیراً... و تقدیره کغیره من افراد التعزیر منوط بنظر الامام^(۱)؛ کسی که با دست یا بقیه‌ی اعضایش استمناء کند تعزیر می‌شود. چون مرتکب کار حرام، بلکه یکی از گناهان کبیره شده است... و مقدار آن، همچون بقیه‌ی تعزیرات، بستگی به نظر حاکم شرع دارد».

۳. نویسنده‌ی کشف اللثام نیز در عبارتی کوتاه چنین فرموده است:

«من استمنى بیده او عضو آخر من اعضائه فعل

کبیره... و عزز بما یراه الامام»^(۱).

۴. شهید ثانی در شرح لمعه می‌گوید:

«و هو حرام یوجب التعزیر بما یراه الحاکم»^(۲)؛

استمناء حرام است و به مقداری که حاکم شرع صلاح بداند تعزیر دارد».

۵. ابن زهره در کتاب غنیة النزوع می‌فرماید:

«و یعزر من وطی بهیمة او استمنی بیده و... کل

ذلک بدلیل اجماع الطائفة»^(۳)؛ و کسی که با حیوانی

آمیزش کند یا مرتکب استمناء گردد تعزیر می‌شود...

همه‌ی این مطالب به اجماع فقهای شیعه ثابت شده

است».

خلاصه این که علمای ما^(۴) خودارضایی را حرام

دانسته و معتقدند مجازاتش تعزیر است. و هر چند در

مورد تعزیر در استمناء اجماعی - به غیر از آنچه که از

کلام ابن زهره استفاده می‌شود - وجود ندارد، اما

کسانی که متعرض آن شده، آن را ارسال مسلم کرده‌اند.

اینک باید به سراغ ادله‌ی وجوب تعزیر برویم.

۱. کشف اللثام، ج ۲، ص ۴۱۱، ترجمه‌ی آن شبیه ترجمه کلام صاحب جواهر است.

۲. شرح لمعه، ج ۲، ص ۳۶۷.

۳. الجوامع الفقهیه، ص ۵۶۳.

۴. طبق آنچه که از المجموع، ج ۲۱، ص ۳۲۶ استفاده می‌شود نظر علمای اهل سنت نیز همین است، بلکه در کتاب الموسوعة الفقهیه الکویتیة، ج ۴، ص ۱۰۲ نسبت به این مسأله ادعای اجماع شده است.

ادله‌ی تعزیر استمناء کننده

دو دلیل برای وجوب تعزیر مبتلایان به خودارضایی ذکر شده است:

دلیل اول: استمناء از گناهان کبیره است، و هر گناه کبیره‌ای تعزیر دارد، پس استمناء هم تعزیر دارد. جمله‌ی اول را «صغری» و جمله‌ی دوم را «کبری» و جمله‌ی سوم را «نتیجه» می‌گویند.

اما این که استمناء جزء گناهان کبیره است، برخی از روایاتی که در بخش اول گذشت دلالت بر این مطلب دارد. تعبیر به «هی من الفواحش» در مرسله علاء بن رزین^(۱) و عبارت «ذنب عظیم» در روایت احمد بن عیسی^(۲) و قرار دادن آن در ردیف لواط در حدیث ابوبصیر^(۳) و حکم به اجرای شلاق در روایت مربوط به تزییع نطفه^(۴) همه این‌ها دلالت می‌کند که استمناء از کبایر است. بنابراین «صغری» ثابت شد.

و اما این که هر گناه کبیره‌ای تعزیر دارد، فقها این مطلب را در کتاب حدود پذیرفته و قبول کرده‌اند و اینجا جای بحث از آن نیست، پس تعزیر برای استمناء، نتیجه‌ی صحیحی است.

سؤال: با توجه به این که گناهان کبیره‌ای همچون

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ابواب النکاح المحرم، باب ۲۸، ح ۵.
 ۲. وسایل الشیعه، ج ۱۸، ابواب نکاح البهائم، باب ۳، ح ۴.
 ۳. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ابواب النکاح المحرم، باب ۲۸، ح ۴ و ۷.
 ۴. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ابواب النکاح المحرم، باب ۲۸، ح ۴ و ۷.

دروغ و غیبت و رشوه‌خواری و کم‌فروشی و تقلب کردن کم نیست مرتکبان آن را شلاق نمی‌زنند؟
 جواب: تعزیر فقط شلاق زدن نیست، بلکه به معنای مطلق منع و بازداشتن از کاری است. و مراتبی دارد که در کتاب گستره‌ی تعزیر به طور مشروح بحث کرده‌ایم.
 به تعبیر دیگر، تعزیر مرتبه‌ای از مراتب نهی از منکر است که تنها بر عهده‌ی حکومت اسلامی است برخلاف مرحله‌ی زبانی آن که وظیفه‌ی همه‌ی مردم است.
 خلاصه این که: با توجه به این که استمناء از گناهان کبیره است، مجازات آن تعزیر می‌باشد.
 دلیل دوم: دلیل دیگر بر این که مجازات خودارضایی تعزیر است، دو روایتی است که از حضرت علی علیه السلام به دست ما رسیده و در مباحث قبل نیز به آن استناد شد.
 توجه بفرمایید:

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«شخصی که خودارضایی کرده بود را (به منظور مجازات) خدمت حضرت علی علیه السلام آوردند. حضرت به قدری تازیانه بر دستش زد که سرخ شد»^(۱).

این روایت هر چند تصریح به انزال نکرده، ولی منصرف به صورتی است که استمناء منتهی به انزال شود، یا لااقل صورت انزال قدر متیقن آن است.

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ابواب النکاح المحرم، باب ۲۸، ح ۳.

بنابراین، نمی‌توان با تمسک به اطلاق روایت حکم به جریان تعزیر حتی در صورت عدم انزال کرد.
۲. امام باقر علیه السلام فرمود:

«شخصی که با آلت خود آنقدر بازی کرده بود که منتهی به انزال شده بود را خدمت امام علی علیه السلام آوردند. آن حضرت به قدری روی دستش زد که سرخ شد»^(۱).
در این روایت تصریح به انزال شده و قرینه خوبی است که روایت قبلی هم مقید به انزال گردد.

نتیجه این که مجازات استمناء تعزیر است و مقدار آن بستگی به نظر حاکم شرع دارد.

نکته: این که در بحث تعزیرات گفته می‌شود: «تعزیر مقدار خاصی ندارد، بلکه مقدار آن بستگی به نظر حاکم شرع دارد» معنای آن این نیست که حاکم شرع به هر شکلی که تمایل داشت مجرم را تعزیر کند، بلکه باید شرایط مختلف را در نظر بگیرد و طبق آن شرایط، مقدار آن را تعیین کند.

مثل این که مجرم پیر است یا جوان، مجرد است یا متأهل، سابقه‌دار است یا نه؟ نادم و پشیمان است یا نه، و دیگر شرایطی که جرم را سنگین یا سبک می‌کند در نظر بگیرد، و بر اساس آن مقدار تعزیر را تعیین کند. چون مجرمین شرایط متفاوتی دارند.

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۸، ابواب نکاح البهائم، باب ۳، ح ۲.

فصل پنجم:

طرق پیشگیری

و راه حل‌ها

اسلام تنها به قرار دادن مجازات‌ها برای گناهان و جرائم قناعت نکرده، بلکه هم طرق پیشگیری از آن را بیان نموده، تا علاقمندان به آلوده نشدن به گناه با استفاده از آن طرق خود را از آلودگی حفظ کنند. و هم روش‌های ترک گناه و جرم را متذکر شده، تا آلودگان نادم و پشیمان بتوانند با بهره‌گیری از آن روش‌ها خود را از غرقاب گناه نجات دهند. دو روایتی که در فصل اول و چهارم از حضرت علی علیه السلام خواندیم، که آن حضرت پس از مجازات فرد مبتلی به استمناء مقدمات ازدواجش را از بودجه‌ی بیت المال فراهم کرد، اشاره‌ی پرمعنایی به چگونگی درمان آلودگان به این گناه دارد.

پیشگیری مقدم بر درمان است

در علم پزشکی دو نوع طبابت وجود دارد: طب پیشگیری و طب درمان.

طب پیشگیری کم هزینه‌تر؛ مؤثرتر و کم خطرتر

است؛ برخلاف طب درمان که هزینه‌ها و خطراتش بیشتر و اثرات و نتایجش کمتر است. علاوه بر این، طب درمانی همواره عوارض دارد. هر روش درمانی را که تصور کنید دارای عوارضی است، ولی طیب و بیمار از روی ناچاری و براساس قاعده‌ی اهمّ و مهمّ آنچه را کم خطرتر است انتخاب می‌کنند. این مطلب اختصاص به پزشکی ندارد، بلکه در مباحث اقتصادی و سیاسی و مانند آن نیز صادق است. در همه این‌ها، پیشگیری مؤثرتر و کم هزینه‌تر از درمان است. با توجه به این مقدمه به سراغ راه‌های پیشگیری از این گناه بزرگ می‌رویم، تا جوانان عزیز با مطالعه و به کار بستن این دستورات، خود را از ابتلای به آن حفظ کنند.

راه‌حلّ اوّل: ازدواج

راه‌حلّ‌های مختلفی برای پیشگیری از خودارضایی و همچنین درمان آن وجود دارد^(۱) که به ده مورد آن در کتاب مشکلات جنسی جوانان اشاره کرده‌ایم. مهم‌ترین آنها ازدواج است؛ که هم جنبه‌ی پیشگیری دارد و هم درمان محسوب می‌شود. روایات فراوان^(۲) و تأکیدات اکید اسلام که مسلمانان را تشویق و ترغیب

۱. شرح بیشتر را در کتاب دنیای نوجوان، ص ۱۸۲ به بعد و کتاب خانواده و مسایل جنسی کودکان، ص ۱۴۳ به بعد مطالعه فرمایید.
 ۲. مسایل الشیعه، ج ۱۴، ابواب مقدمات النکاح، باب ۱ و ۲.

به ازدواج، مخصوصاً در سنّ جوانی^(۱)، می‌کند و در صورتی که خوف وقوع در گناه برود آن را واجب شمرده، به منظور پیشگیری از انجام معصیت و گناه است. و آنچه در دو روایت منقول از امام علی علیه السلام خواندیم به قصد درمان بود.

معضلات ازدواج در عصر و زمان ما

متأسفانه امروزه ازدواج تبدیل به یک معضل اجتماعی گشته و به همان مقیاس که ازدواج‌ها ترک شده یا دیرتر صورت می‌گیرد، آمار گناهان بالاتر رفته است. عمدتاً چهار مشکل مسأله‌ی ازدواج را در عصر و زمان ما تهدید می‌کند:

۱. طولانی شدن سنّ ازدواج؛ سنّ ازدواج در این دوران به خاطر تحصیلات و سپس یافتن شغل و کار مناسب بالا رفته است. در گذشته جوانان در ابتدای جوانی، یعنی ۱۷ یا ۱۸ سالگی، ازدواج می‌کردند، اما اکنون در اواخر جوانی، یعنی حدود سی سالگی و گاه بیشتر، ازدواج می‌کنند و اوج شهوت جنسی را در حال تجرّد سپری می‌کنند و طبعاً جمعی از آنها تاب مقاومت در برابر این فشار شدید، مخصوصاً با توجه به عوامل تحریک فراوانی که در زمان ما وجود دارد، را ندارند و

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ابواب مقدمات النکاح، باب ۲۳.

به انحراف کشیده می‌شوند. خلاصه این که یکی از معضلات ازدواج، طولانی شدن سن ازدواج است.

۲. بالا رفتن توقعات؛ متأسفانه سطح توقعات هم در دختران و هم در پسران بالا رفته است. منزل مسکونی مستقل، اتومبیل گران قیمت، کسب و کار پر درآمد، پدر زن و پدر شوهر پولدار، زوجه‌ی خیاط و آشپز و آشنای به زبان‌های خارجی و مسلط بر کامپیوتر و مانند آن، از جمله این توقعات است که مانع ازدواج در زمان مناسب می‌شود.

۳. افزایش تشریفات؛ معضل دیگری که سر راه ازدواج جوانان وجود دارد تشریفات غیر ضروری است، که چشم و هم‌چشمی‌ها به زیاد شدن آن دامن زده است. مهریه‌های سنگین و بعضاً نامعقول، جهزیه‌های تشریفاتی و گسترده، که گاه زوجین فرصت استفاده از بعضی اقلام آن را تا سالها به دست نمی‌آورند، خریدهای آنچنانی قبل از عقد، و مجالس سنگین عقد و عروسی، بخشی از این تشریفات است.

۴. کثرت سوءظن؛ با توجه به این که متأسفانه ارتباط‌های نامشروع زیاد شده، دختران و پسران و زنان و مردان به یکدیگر سوء ظن دارند و نمی‌توانند براحتی به یکدیگر اطمینان پیدا کنند. حال اگر به دختران اجازه داده شود بدون اذن پدر ازدواج موقت نمایند و دختری مثلاً با چند نفر صیغه موقت بخواند و

سپس پسری به خواستگاری او بیاید و بخواهد با وی ازدواج دائم کند، از خود می‌پرسد: آیا این خانم با شوهر سابق ارتباط دارد یا نه؟ و این سوءظن مانع ازدواج می‌شود. باید مردم را به ساده زیستی دعوت کرد و این پیرایه‌ها را از این حکم الهی مطابق با فطرت زدود، تا جوانان بتوانند براحتی ازدواج کنند و از گناه و معصیت در امان بمانند.

راه‌حلّ دوم

پرهیز از عوامل تحریک

دومین راه مبارزه با استمناء و پیشگیری از خودارضایی و همچنین درمان آن، پرهیز از عوامل تحریک است. تماشای فیلم‌های آنچنانی، استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ها، اینترنت، برخی روزنامه‌ها و مجلات و کتاب‌های گمراه‌کننده، چشم‌چرانی و استفاده از لباس‌های تنگ و چسبان، و حتی غذاهای تحریک‌کننده، هرکدام به نوعی انسان را به سوی گناه و معصیت سوق می‌دهد. اگر جوانی خود را در برابر این عوامل کنترل کند بی شک مبتلی به خودارضایی نمی‌گردد. اما کسی که در برابر تمام یا برخی از عوامل فوق بی‌پرواست و براحتی آلوده‌ی آن می‌شود، طبیعی است که مبتلی به استمناء گردد. مگر می‌شود یک انسان در محیط وباخیز زندگی کند و آب و غذای آلوده

به میکروب مصرف نماید و سالم بماند؟! خلاصه این که دومین راه‌حل، پرهیز از عوامل تحریک است.

راه‌حل سوم

اجتناب از دوستان ناباب

یکی دیگر از عوامل آلودگی جوانان، همنشینی با دوستان ناباب و آلوده است. جوانی که با یک انسان معتاد به موادّ مخدّر دوست می‌شود و به همراه او به مجالس استعمال موادّ مخدّر می‌رود، به تدریج آلوده‌ی به آن می‌شود. اگر با شخصی طرح رفاقت بریزد که مبتلی به استمناء و خودارضایی است، طبعاً او هم مبتلی به این گناه و معصیت می‌گردد. همان گونه که همنشینی با برخی از بیماران، باعث سرایت بیماری او به انسان می‌شود.

راه‌حلّ چهارم

اشتغال

جوانان باید برای تمام ساعات شبانه‌روز خود برنامه داشته باشند، به گونه‌ای که تمام اوقات آنها پر باشد و بیکار نمانند. چرا که بیکاری منشأ بسیاری از مفاسد اخلاقی از جمله خودارضایی است. مخصوصاً اگر بیکاری همراه با تنهایی باشد، که اثر تخریبی آن بیشتر خواهد بود. و لذا به همه مبتلایان به

خودارضایی توصیه می‌کنیم که تنها و بیکار نمانند و تمام اوقات خود را پر کنند. مخصوصاً از ورزش غافل نشوند که تأثیر مهمی در جلوگیری و همچنین ترک استمناء دارد. چون هیجانان جنسی را می‌کاهد و سرگرمی سالمی نیز محسوب می‌شود.

راه‌حل پنجم

مطالعه‌ی مداوم آثار سوء استمناء

مبتلایان به این بیماری باید پیامدهای سوء و عوارض نامطلوب و ضررهای فراوان خودارضایی را مطالعه کنند و این کار را تکرار نمایند تا این امور به حافظه آنها سپرده شود، تا هر زمان هوای نفس و شیطان آنان را دعوت به این کار کرد، با یادآوری آن آثار مخرب، بتوانند خود را کنترل نمایند.

راه‌حل ششم

تقویت پایه‌های ایمان

هرچه ایمان انسان محکم‌تر گردد آلودگی وی به گناه و معصیت کمتر می‌شود، تا آنجا که اگر ایمان قوی و مستحکمی پیدا کند، در قلب جمعیت گناهکار زندگی می‌کند اما آلوده نمی‌شود.

راه تقویت پایه‌های ایمان، مطالعه‌ی کتاب‌های دینی، تفکر و اندیشه در اسرار جهان هستی، شرکت در

مجالس دینی و مانند آن است. نتیجه این که: با تقویت پایه‌های ایمان، اشتغال، اجتناب از دوستان ناباب، پرهیز از عوامل تحریک، مطالعه‌ی مداوم آثار سوء خودارضایی و ازدواج هم می‌توان از آلودگی‌های جنسی مخصوصاً استمناء پیشگیری کرد و هم می‌توان آن را درمان نمود. به امید رهایی همه‌ی مبتلایان به خودارضایی و زندگی پاک و عاری از گناه و معصیت.